

گزارش

گزارشی از ویزیت زنان و کودکان آسیب‌دیده نصیر آباد شهریار توسط پزشکان نیکوکار

ناجیان سفیدپوش

شهروند! پزشکان نیکوکار این‌بار راهی نصیرآباد شهریار شدند؛ همان‌جا که به‌گور خواب‌هایشان شناخته شد و پس از آن بود که آسیب‌های شهر یکی پس از دیگری خودنمایی کرد. اعتیاد در نصیرآباد حرف اول را می‌زند و در ادامه‌اش بیماری اهالی است که هر روز آنها را آسیب‌دیده‌تر می‌کند. خانواده‌های آسیب‌دیده نصیرآباد شهریار پیش از این در طرح کوجه‌گردان عاشق، جمعیت امداد-دانشجویی امام‌علی (ع) شناسایی شده بودند و حالا که مشکلات درماتی‌شان شدیدتر و بحرانی‌تر از قبل شده، تیم درمانی این جمعیت به دادشان رسیده است. جمعه هفته گذشته بود که دو پزشک با چندین جعبه دارو و وسایل بهداشتی به منطقه رفتند و مطب‌شان را در آموزشگاهی در شهریار راه انداختند؛ مطبی یک‌روزه. استقرار پزشکان تیم درمان جمعیت امام‌علی (ع) در این آموزشگاه در حالی بود که به‌گفته گلنسا مردانی، پزشک تیم می‌شد بیماران را در مرکز بهداشت شهریار ویزیت کرد، اما مسئولان این مرکز با آنها همکاری نکردند و تیم درمان ناچار شد تادر آموزشگاه،بیماران را ویزیت کند.

روز جمعه همه به صف ایستاده بودند، زنان و کودکان جمعیت منتظری بودند تا پزشکان آنها را ویزیت کنند، مریم زادسر و گلنسا مردانی، دو پزشک جمعیت هستند که پشت‌میز هانگستند و کودکان و مادران‌شان را معاینه کردند: «برخی از اهالی معضلات شدید درماتی دارند و به دلیل ناتوانی مالی و آسیب‌های اجتماعی مثل خشونت خانگی واعتیادنتوانسته‌انددرمان‌شان را پیگیری کنند.» اینهارا اساز رضایی، مسئول درمان جمعیت امام‌علی (ع) به «شهروند» می‌گوید. آن روز دو پزشک جمعیت بیشتر از ۷۰ کودک و مادر را معاینه کردند و برای تعدادی از آنها هم دارو تجویز کردند؛بخشی از داروها همان‌جا به بیماران تحویل داده‌شد.

به گفته پزشکان سوءتغذیه شدید کودکان و مادران عمده‌ترین مشکل اهالی نصیرآباد است: «برخی از مادران و کودکان این منطقه به دلیل اعتیاد شدید پدر دچار بیماری‌های روان شده‌اند،بخش زیادی درگیر کم‌خونی‌اند.» اینهارا رضایی اضافه می‌کند. با اینکه خانه بهداشت فاصله زیادی با این منطقه ندارد اما هیچ اقدام عملی برای شناسایی خانواده‌های آسیب‌دیده جسمی و روان انجام نشده است: «برخی از مادران مشکلات جدی مثل بیماری‌های قلبی و سرطان داشته‌اند اما هیچ‌کس بیماری‌شان را پیگیری نکرده و آنها هم به دلیل ناتوانی مالی نمی‌توانستند اقدامات درماتی برای خودشان انجام دهند.»

گلنسا مردانی، پزشک عمومی تیم درمان هم که از همکاری نکردن خانه بهداشت شهریار انتقاد دارد، می‌گوید اگر ویزیت این افراد در خانه بهداشت انجام می‌شد، اهالی با وسایل معاینه بهتری و ویزیت می‌شدند اما این اتفاق نیفتاد.

این پزشک به «شهروند» می‌گوید که بیشتر مراجعه‌کننده‌ها مهاجرانی هستند که از شهرهای دیگر به این منطقه آمده‌اند،بیشترشان معتاد هستند، همسران آنهاهم درگیر آسیب‌های زیادی هستند،سطح اجتماعی زندگی‌ها بدشند پایین است، بیشتر افراد بیمار هستند، ضعف عمومی، ریزش مو، سر گیجه، مشکلات پوستی، کمبود مواد غذایی و... عمده‌ترین مشکلات اهالی این منطقه‌ست.

بر اساس اعلام این پزشک در میان افرادی که معاینه شدند، یک زن مبتلا به سرطان پستان و یک مادر باردار که مبتلا به بیماری قلبی است، شناسایی شدند: «ما اینهارا به بیمارستان دولتی ارجاع دادیم تا به صورت رایگان درمان شوند.» مردانی می‌گوید که کودکان این منطقه بدشند دچار کمبود غذایی هستند و از نظر رشد جسمی وضع خوبی ندارند: «بیشتر بچه‌ها لاغر بودند، حتی در میانشان کودکی بود که علائم اختلال روان داشت، ما برای اینهارا نسخه دادیم تا درمان‌شان پیگیری شود.» مردانی جزو پزشک‌انی است که پیش از این به کرمانشاه رفته و زنان و کودکان زلزله‌زده را معاینه کرده است.

ترانه تاجیک از اعضای جمعیت امام‌علی (ع) است و به خوبی با مشکلات نصیرآباد آشناست: «ماروستاهای زیادی را در شهریار شناسایی کردیم، مثل روستاهای دهشاد بالا و پایین ووبره و نصیرآباد و...بیشترین فعالیت ما در ویره است، دلیل آن هم اعتیاد شدیدی است که این منطقه دارد؛ نصیرآباد اوضاع دیگری دارد، پس از ماجرای گورخواب‌ها توجه به این منطقه بیشتر شد، ما هم شناسایی‌مان را در آنجا بیشتر کردیم و متوجه شدیم که در این منطقه مشکل درماتی جدی دارند، به همین دلیل در دو مرحله ۳۵ و ۸۰ خانواده برای درمان شناسایی شدند.»

در هر یک از اتاق‌های منزل یا محل کار مکان‌های امن را تعیین کنید. این مکان می‌تواند زیر یک میز محکم، یا کنار دیوار داخلی به دور از پنجره باشد.

پاکدشت

پایتخت

گل و گیاه

می‌شود

رئیس سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان تهران از تبدیل پاکدشت به پایتخت گل و گیاه تا پایان برنامه ششم توسعه خبر داد. نعمت‌الله ترکی با اشاره به بومی‌سازی بسته‌بندی گل گفت: «در جریان بررسی سند توسعه‌ای ویژه شهرستان مقرر شد تا در سال روزی ویژه برگزاری جشنواره گل در شهرستان مشخص شده و همچنین صنعت بسته‌بندی گل با توجه به برند خارجی آن بومی‌سازی شود. ظرفیت‌های گسترده‌ای در سطح شهرستان وجود دارد اما مادر تبدیل پاکدشت به پایتخت گل و گیاه کشور برنامه‌ریزی خوبی نداشتیم در حالی که این شهرستان مقام اول تولید گل در کشور به میزان یک میلیارد و ۳۵۰ میلیون گل شاخه بریده در طول سال را دارد.»



گزارشی از یک نانوايي، سلماني، طباخي و دکه سيگار فروشي در تهران که اين روزها خدمات و جنس هايشان را با قيمت پايين تر به مردم مي‌دهند

منصفان روزگار گرانی

◀ **مدیر یک نانوايي:**

متقاضيان نان مجاني از ۳۰ نفر به بيشتتر از ۳۰۰ نفر رسيدند

که قاسم می‌گوید افراد مختلفی این روزها مشتری این طرحند: «این منطقه کارتن خواب زیادی ندارد، آنها هم می‌آیند، ولی کسان دیگری هم هستند که خودم‌اشرمنده می‌شوم. کسانی را در این منطقه می‌شناسیم که قبلا حتی به بقیه کمک می‌کردند، اما الان خودشان وضع خوبی ندارند؛ از کارمند بازنشسته بگیر تا کارگر و راننده. آدم‌های آبرومندی این‌روزها قدرت خرید نان هم ندارند.» نوبت به جمله آخر که می‌رسد سرش را پایین می‌گیرد و صدایش را به سختی می‌توان شنید: «هدف ما این بود که اگر کسی نان نیاز دارد، دجالت نکشد، اما الان خود ما هم شرمندایم.»

تعدادی از فروشندگان تهران تلاش می‌کنند قیمت محصولات خود را افزایش ندهند

مدیر سلماني: روزی ۱۶ ساعت کار می‌کنیم تا قیمت را افزایش ندهیم
طبّاخي: کارتن خواب‌ها روز به روز همين یک وعده غذا را می‌خورند

روزی ۱۶ ساعت کار می‌کنیم که قیمت را یاد نکنیم

پنج پیرایشگر کنار صندلی‌هایشان، قیچی به دست مشغول کارند و هر پنج نفر دل پری از رسانه‌ها دارند. می‌گویند روزنامه نمی‌خوانند و همه دروغ می‌نویسند و نوشتن درباره کار خود را توجه به حاشیه می‌دانند. جوان‌ترین پیرایشگر سلمانی شناخته‌شده خیابان طوس، پاکت بهم‌نش را از کشو بیرون می‌کشد و با سیگاری بین دواگشت، همچنان که راه خروج را طی می‌کند، می‌گوید: «مسئولان اسوژه کن، نه مردم رو، ما چه کاری می‌تونیم بکنیم توی این شرایط؟ اصلا ما نباید کاری انجام بدیم، کاری از دست ما برنماید. اینهارا اسوژه کنی و بنویسن توی روزنامه‌هاتون شاید فرجی بشه.» بحث به تحلیل رسانه‌های ایران می‌رسد و مشتریان و پیرایشگر باید منتظر بمانند تا فرصت حرف‌زدن پیدا کنند. نوبت به یکی از قدیمی‌ترین‌ها که می‌رسد می‌گوید: «من به موقعی مطالب ممد قوچانی را می‌خواندم. مجله‌ش هم گرون بود، ولی به عشق ستون خودش می‌گرفتم. الان بین دواگشت کردن، روزنامه‌ها نمی‌تونن بنویسین حدافل نیاز نیست مردم از مانان بخواهند و خودشان بدون حرف و کلام، بسن را می‌گذارند و نان برمی‌دارند.» آن‌طور

هزار تومانی دستمزد. مدیر اما در نهایت توضیح می‌دهد که ۲۰سال است اتحادیه برای قیمت به او فشار می‌آورد و او در تمام این سال‌ها مقاومت کرده است: «از به طرف فشار اتحادیه، از به طرف مالیات و دارایی، هیچ اسمی و عکس‌ای مانباشه که باز هم شرم می‌شه.» گوشه‌ای از مغازه و زیرپله، روزنامه‌ای پهن است و او مشغول غذاخوردن می‌شود و هم‌زمان درباره هدف اصلی این سلمانی و همکارانش می‌گوید: «خیلی این روزها برای ما سخته. ما هم زن و بچه داریم. همین امروز این بنده خدا یه قطعه برای پرایدش می‌خواست، رنگ زدن گفتن ۵هزار تومان و تا رسید اونجا قیمتش شد ۶ه. ما داریم می‌چنگیم که قیمت را زیاد نکنیم. روزی ۱۷-۱۶ ساعت کار می‌کنیم.» پرش اما این است که وقتی هم قیمت‌ها تغییر کرده، چرا دستمزدی که یک‌سوم نرخ تعریف‌شده اتحادیه است، تغییر نکند؟ همه برای این پرسش پاسخ‌های یکسانی ندارند: «این مردم یک‌سال و دو سال نیست که ما را می‌شناسند و ما آنها را می‌شناسیم. نمی‌خواهیم بیشتر از این شرم‌نده آنها بشویم. اگر ما قیمت را زیاد کنیم اصلاح را از برنامه‌هایشان حذف می‌کنند. الان ماهی یک بار می‌آیند و آن موقع می‌شود دو ماهی سه ماهی، یک بار.» آن‌طور که پرسنل این سلمانی می‌گویند این‌روزها مشتری‌های آنها کمتر شده است، حتی با همین قیمت ۷هزار تومانی و نتیجه می‌گیرند که وقتی مردم نان خوردن ندارند، مجبور می‌شوند از ظاهر و بهداشت خود بگذرند. بحث‌ها یکی پس از دیگری می‌آیند و بی‌نتیجه رها می‌شوند، اما سرآخر هر پنج نفر از ارزوی خود می‌گویند که «ای کاش شرایط اقتصادی تغییر کند.»

کارتن خوابی با روزی یک وعده غذا
صبح‌به‌صبح می‌آیند و سهمیه روزانه خود از پخت طبّاخي را می‌گیرند و سریع از آن کوچه معروف منطقه ۱۲ تهران خارج می‌شوند؛ کارتن خواب‌ها حالا می‌دانند که صاحب طبّاخي برای حفظ سهمیه روزانه آنها سختی‌های زیادی کشیده و از صنف و دارایی گرفته تا اداره‌های دولتی کوچه، همه در مقابل این طرح و سهمیه ایستاده‌اند. به‌روال معمول، صاحب این طبّاخي هم می‌خواهد که نام و نشانی از او در این گزارش منتشر نشود. پدرش در زمان حیات، این مغازه را وقف کرده و حالا هم در جای جای طبّاخي، درباره نحوه مصرف درآمدها توضیحاتی دیده می‌شود. گرگ‌ومیش هوا، افرادی که حالا زندگی بدون سرپناه برای آنها تبدیل به عادت شده کنار در ورودی می‌ایستند و پرسنل طبّاخي هم بی‌هیچ حرف و کلامی ظرفی یکبار مصرف با تک‌های نان را در دست آنها قرار می‌دهند. می‌گیرند و می‌روند و در گوشه و کنار پارک بزرگ همین حوالی به خوردن مشغول می‌شوند. صاحب طبّاخي توضیح می‌دهد که بعد از این سال‌ها همه آنها و حتی علاقه و سلیقه‌شان را می‌شناسد: «ما از همه جهت برای

مستری‌هایش همه او را می‌شناسند اما دست‌وبال‌اش بسته است. کمی بالاتر از میدان ونک، صاحب یک کیوسک روزنامه‌فروشی می‌گوید که نمی‌خواهد با گران‌فروشی به جایی برسد و توضیح می‌دهد که «لان وقت انصاف و رحم و مروت است.» می‌گوید «هر اسمی خواستی بنویس اما اسم من باشد، مثلا بنویس حسن» و درباره کارش توضیح می‌دهد: «قیمت سیگار این روزها معلوم نیست دست کیه. واقعا معلوم نیست. یه گروهی هم از این بازار سواستفاده می‌کنن دیکه ولی کار من این نیست.» حسن هر روز سهمیه سیگارش را می‌گیرد و آن را بین مشتریان تقسیم می‌کند: «با این قیمت همه می‌خوان باکس بخزند ولی من می‌گم نهایتا دو پاکت. هر کسی هم بیاید می‌فروشم. این طور نیست که فقط به مشتری‌های ثابت بفروشم.» او مفصل درباره برخورد مردم در این روزها خاطره دارد اما می‌گوید فقط کار وظیفه‌اش را انجام می‌دهد. «حسن معتقد است که در این شرایط، خود مردم باید کمی رحم و مروت داشته باشند و او کار خود را عمل به وظیفه و نه لطف یا خدمت می‌داند. او هم دل پری از شرایط این روزها ندارد اما در نهایت می‌گوید این روزها هم می‌گذرد.



سیگار کوپنی

برای مقابله با گران‌فروشی

مستری‌هایش همه او را می‌شناسند اما دست‌وبال‌اش بسته است. کمی بالاتر از میدان ونک، صاحب یک کیوسک روزنامه‌فروشی می‌گوید که نمی‌خواهد با گران‌فروشی به جایی برسد و توضیح می‌دهد که «لان وقت انصاف و رحم و مروت است.» می‌گوید «هر اسمی خواستی بنویس اما اسم من باشد، مثلا بنویس حسن» و درباره کارش توضیح می‌دهد: «قیمت سیگار این روزها معلوم نیست دست کیه. واقعا معلوم نیست. یه گروهی هم از این بازار سواستفاده می‌کنن دیکه ولی کار من این نیست.» حسن هر روز سهمیه سیگارش را می‌گیرد و آن را بین مشتریان تقسیم می‌کند: «با این قیمت همه می‌خوان باکس بخزند ولی من می‌گم نهایتا دو پاکت. هر کسی هم بیاید می‌فروشم. این طور نیست که فقط به مشتری‌های ثابت بفروشم.» او مفصل درباره برخورد مردم در این روزها خاطره دارد اما می‌گوید فقط کار وظیفه‌اش را انجام می‌دهد. «حسن معتقد است که در این شرایط، خود مردم باید کمی رحم و مروت داشته باشند و او کار خود را عمل به وظیفه و نه لطف یا خدمت می‌داند. او هم دل پری از شرایط این روزها ندارد اما در نهایت می‌گوید این روزها هم می‌گذرد.

این کار تحت فشارم ولی انصاف نیست این یک لقمه نان را از این بندگان خدا گرفت. خیلی از اینهارا ما می‌شناسیم، غذای روزشان همین یک وعده است. درآمدی ندارند و اگر چیزی هم از این سطل اشغال دریاورند به جنس و مواد می‌دهند.» او توضیح می‌دهد که قیمت این‌روزهای طبّاخي، آنها را بر سر دوراهی قرار داده اما قصد ندارند این‌کار را خاتمه دهند: «ولش می‌گفتند این خیابان توریستی است و این افراد نمای کوچه را خراب می‌کنند. صنف هم نگرانی خودش را دارد. مالیاتی هم که برای این کارها می‌گیرند زیاد است. اما مشکل اصلی قیمت این روزهاست.» به کاغذ قیمت‌ها و توضیحش اشاره می‌کند: «ما مجبوریم قیمت‌ها را روزانه تغییر بدهیم؛ هر روز نه ولی بر برخی روزها اینقدر قیمت مواد اولیه زیاد می‌شود که راهی برای ما نمی‌ماند. مشکلات قبلی هم یک طرف و این قیمت‌ها هم یک طرف. مشتری کم شده و ما حتی نگران حقوق کارگرای اینجا هم هستیم.» هر بحثی را به گلابه‌از شرایط این روزها و نگرانی درباره آینده می‌رساند اما می‌گوید که نمی‌شود سهمیه این افراد را حذف کرد: «بعد از این همه سال، نمی‌شود یک مرتبه به این دوستان بگوییم دیگر اینجا نیامد. نمی‌شود انصاف نیست. ما هم امیدواریم. در این وضعیت مردم بی‌درآمد و کم‌درآمد بیشتر از همه آسیب‌می‌بینند.»

آگهی مفقودی

کارت اتومبیل به شماره شاسی 75165000258 و شماره موتور 490550 و شماره وسیله نقلیه IRLD751V1OW000258 مربوط به دو وسیله سفیدروغنی از تاریخ ۲۵ مرداد ماه سال ۱۳۹۷ مفقود شده‌واز درجه اعتبار ساقط است.